

تحلیل تأثیر جنبه‌های روانی و اجتماعی در بروز سرقت* Analysis of the Impact of Psychological and Social Aspects on the Occurrence of theft

سیامک شاکر سلطان احمدی^۱

علی شالباف^۲

صمد رهبری بنائیان^۳

ایلناز علینژاد^۴

حیدر امیرپور^۵

چکیده

Abstract

Robbery is one of the crimes against property security in the Islamic Penal Code (approved in 1392), for which various punishments have been made in proportion to the type of theft, including punishment. From the point of view of knowledge of root criminology and one of the causes of the emergence, development, advancement and occurrence of theft, we must look at the impact of psychosocial aspects. Hence, the purpose of this study is to examine the phenomena used as a means or by means of research analyzes and the identification of social and psychological injuries in the occurrence of theft. Antisocial personality disorder, the influence of the element of geographical location (time and place) on the transformation of psychological motivation, such as the tendency to success and the desire to gain strength and reputation, ineffectiveness and effectiveness, or enforcement of laws, being unfair and feeling of discrimination. The fear of social control, the madness of stealing as one of a variety of personality disorders, having a penetrating abusive pattern and violating the rights of others and forcing a haram day to be one of the most effective psychological factors in the incidence of criminal theft, although social factors such as lack of Family support, unfair distribution of services and social security, mismanagement and lack of system Comprehensive management, lack of facilities and educational and training services, urban expansion, rising unemployment, economic and cultural poverty, devaluation of children's social health, drug use and alcohol, and the perceived ease of committing theft due to excessive displays. This is a crime through audio and video networks, which play a key role in the crime of robbery. This research is a descriptive-analytical study with a cross-disciplinary (psychological and sociological approach) and library-based information gathering to study the impact of psychological and social aspects on crime.

Key words: psychological, social aspects, theft, criminology

سرقت یکی از جرایم علیه امنیت اموال در قانون مجازات‌های اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) است که برای آن مجازات‌های مختلف و متناسب با نوع دزدی اعم از حد و تزییر تعیین شده است. از منظر دانش جرم‌شناسی ریشه و یکی از علل پیدایش، تکوین، پیشرفت و وقوع بزه سرقت را باید در تأثیرگذاری جنبه‌های روانی و اجتماعی جستجو کرد. از این رو، هدف این تحقیق بررسی پدیده‌هایی است که به عنوان وسیله یا به واسطه در تحلیل‌های پژوهشی و شناخت آسیب‌های اجتماعی و روانی در بروز سرقت به کار می‌آید. اختلال شخصیت ضداجتماعی، تأثیر عنصر موقعیت جغرافیایی (زمان و مکان) در تبدیل انگیزش روانی مانند گرایش به موفقیت و برتری و علاقه به کسب قدرت و شهرت، عدم کارآمدی و اثربخشی و یا ضمانت اجرایی قوانین، قرار گرفتن در شرایط ناعادلانه و احساس تبعیض، بی‌اعتمادی به مسئولیت‌های شرعی، ضعف در مدیریت هوش هیجانی و کنترل رفتارهای هیجانی، ترس از کنترل اجتماعی، جنون دزدی به عنوان یکی از انواع اختلالات شخصیت، داشتن الگوی نافذ بی‌اعتمادی و تجاوز به حقوق دیگران و کسب روزی حرام از عوامل مؤثر روانی بر بروز رفتار مجرمانه سرقت است. هر چند که عوامل اجتماعی از قبیل عدم برخورداری از حمایت خانوادگی، توزیع ناعادلانه خدمات و تأمین اجتماعی، سوء مدیریت و فقدان نظام جامع مدیریتی، عدم ارائه امکانات و خدمات آموزشی و تربیتی، گسترش شهرها، افزایش بیکاری، فقر اقتصادی و فرهنگی، کاهش ارزش‌گذاری در سلامت اجتماعی کودکان، مصرف مواد مخدر و الکل و نیز احساس سهولت ارتکاب جرم سرقت در اثر نمایش بیش از حد این جرم از طریق شبکه‌های دیداری و شنیداری از جمله موارد اجتماعی است که در بروز جرم سرقت نقش کلیدی دارد. این تحقیق با مطالعه توصیفی-تحلیلی و با رهیافت میان‌رشته‌ای (روانشناختی و جامعه‌شناختی) و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای به بررسی تأثیر جنبه‌های روانی و اجتماعی در بروز جرم سرقت می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: جنبه‌های روانی، جنبه‌های اجتماعی، مبانی روانشناختی، سرقت، جرم‌شناسی

email:siyamak.shaker94@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، نویسنده مسئول

^۲ کارشناس ارشد حقوق

^۳ دکتری حقوق

^۴ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

^۵ استادیار و عضو هیات علمی گروه آموزشی رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری با عنوان "بررسی تطبیقی ربایش مخفیانه از اموال دیگران در قانون مجازات جمهوری آذربایجان و ایران" دانشجو: سیامک شاکر سلطان احمدی و استادان راهنما: دکتر چنگیز مصطفی‌یو و دکتر حیدر امیرپور می‌باشد.

مقدمه

دزدی پدیده‌ای است که در میان تمام جوامع انسانی به شیوه‌ها و شکل‌های گوناگون وجود دارد. امروزه در اکثر کشورهای جهان مشکل دزدی به دلیل تنوع و گوناگونی آن به انواع مختلفی که هر یک شرایط خاص و مجازات مخصوص به خود را دارند، تفکیک شده است. برای مثال دزدی ساده، دزدی مسلحانه و یا دزدی از بانک‌ها و ... در قوانین کیفری و فقه جزائی نیز سرقت یکی از جرایم علیه امنیت اموال محسوب می‌شود که قانون‌گذار در فصل هفتم قانون اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌هایی اعم از حد (قطع ید) و تعزیر از جمله زندان (مواد ۲۶۷ تا ۲۷۸) برای عاملین آن پیش‌بینی کرده است. از آنجا که، گاهی جرم انگاری یک رفتار نابهنجار و تهدیدکننده بنا به دلایل مختلف نقش موثری در بازدارندگی این بزه ندارد. به عنوان مثال، زندان که مهم‌ترین رکن مجازات در عموم جوامع است، به دلیل تحمیل هزینه‌های زیاد مستقیم و غیرمستقیم بر دولت و همچنین سیاست‌های مدیریتی، تربیتی و اصلاحی و امکانات رفاهی زندان نه تنها نمی‌تواند عامل موثر بازدارنده در وقوع سرقت باشد، بلکه گاهی اعمال این نوع مجازات یعنی محکومیت سارقین به تحمل زندان، معکوس عمل نموده و نقش جرم‌آموزی را برای مرتکبین خلاف قانون داشته و موجب گرایش زندانیان به ارتکاب سرقت‌های بزرگ و سازمان‌یافته می‌گردد. در کنار علت ناکارآمدی و عدم ضمانت اجرای موثر قوانین مربوط به این جرم که خود مجالی دیگر برای تحقیق می‌طلبد و در این مقال نمی‌گنجد، علل و عوامل متعدد دیگری نیز در بروز بزه دزدی دخالت دارند که عطف توجه جدی و شناخت دقیق و به موقع آنها سهم موثری در پیشگیری و کاهش آن دارد. از منظر جرم‌شناسی ریشه و یکی از علل پیدایش و وقوع بزه سرقت را باید در تأثیرگذاری جنبه‌های روانی و اجتماعی جستجو کرد. نباید غافل شد که رفتارها و نگرش‌های حاکم بر محیط و نحوه ارتباط با آن، بستگان، خانواده و هم‌کلاسی‌ها و سایر واحدهای اجتماعی می‌توانند در بروز و عدم بروز و افزایش یا کاهش آن نقش مؤثری ایفا نمایند. حضور نسل جوان و عدم وجود امید به آینده یکی از ترسناک‌ترین موضوعاتی است که در یک جامعه می‌تواند راه را برای وقوع انواع جرایم هموار سازد. این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی و آگاهی به مسئولیت‌های قانونی و اجتماعی و نیز مدیریت هوش هیجانی در سطح بسیار ضعیفی هستند، و به‌طور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره عواقب رفتار خود را به قدر کافی ندارند. گاهی نیل به امیال و آمال بلند و دست نیافتنی، زمینه ارتکاب این جرم را فراهم می‌سازند. از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به اهداف موردنظر در اختیار داشته باشند و هدف اصلی به فراموش سپرده شود، افراد آرمان‌های موردنظر جامعه را نمی‌توانند با پیروی از راه‌های مجاز و نهادینه شده تعقیب کنند، از این رو دزدی، فریبکاری، فساد، رشوه و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می‌یابد (آنتونی گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۲۴). در بعضی موارد بروز درگیری‌ها باعث حضور صنف جدیدی در جامعه شده که تأثیر مثبتی بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نداشته و در مواردی با تخریب

وضعیت اجتماعی، امکان ارتکاب به سرقت و سایر جرایم را بیشتر کرده‌اند. باید توجه داشت که هیچکس به طور مادرزاد و ارثی سارق به دنیا نمی‌آید، بلکه فعل مجرمانه یادشده یک رفتار اکتسابی و یادگرفتنی است (آنتونی گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۶۸)، لذا بررسی مبانی روانشناختی اهمیت ویژه‌ای در بررسی موضوع ارتکاب سرقت دارد. پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۰ طی یک بررسی تطبیقی میزان وقوع سرقت در ۹۳ کشور جهان را بررسی نموده است. در گزارش پلیس بین‌المللی، ایران با وقوع ۱۲۳ هزار فقره سرقت در ردیف بیست و سوم قرار گرفته است. در کشورهای مختلف جهان، به ویژه کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر انگلستان، آمریکا، آلمان، ژاپن و آفریقای جنوبی و فرانسه آمار سرقت در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۰ حداقل ۵ برابر شده است. این آمار به ویژه در سه سال اخیر و به دنبال بروز بحران‌های شدید اقتصادی، سیری شتابان یافته است. این شیوع فزاینده و آمار رو به رشد بیانگر آن است که سرقت به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده است و لاجرم از میان راندن آن جز با مداخلات اجتماعی میسر نخواهد بود (معدنی، ۱۳۷۳). از طرفی مبانی مربوط به شخصیت خود عامل مهمی است که اهمیت ویژه‌ای در ارتکاب سرقت داشته، و مداخلات روانشناختی جایگاه ویژه‌ای در این زمینه دارد. بنابراین، عوامل گوناگونی در ایجاد رفتار مجرمانه به خصوص دزدی تاثیر دارند که می‌توان ریشه آنها را در علل و عوامل روانی و اجتماعی یافت. دانشمندان معتقدند که برای کاهش این جرم در جامعه باید وضعیت اجتماعی-اقتصادی توسعه و بهبود یافته و نیز به ریشه‌های روانی این جرم؛ رفع اختلالات شخصیتی و نیز مدیریت درست رفتارها و هوش هیجانی عطف توجه شود.

پیشینه تحقیق

مطالعاتی تحت عنوان بررسی انگیزه‌های سرقت از نظر روانشناختی، زیست‌شناختی و دیدگاه اقتصادی صورت گرفته که منجر به صدور نظرات مفیدی شده است. از نظر روانشناختی، صفات روانی و ویژگی‌های شناختی افراد باعث می‌شود که روانشناسان آنها را به عنوان عامل مهمی در شناخت و کنترل رفتار در نظر بگیرند و بیشتر بر متغیرهای شخصیت افراد تکیه دارند و آن را بهترین عامل در قضاوت‌های بالینی می‌دانند، و از سوی دیگر روانکاوان معتقدند باید ضمیر ناخودآگاه افراد را کاوش کرده و علل ناخودآگاه رفتار آنها را پیدا کرد. برخی زیست‌شناسان معتقدند تعدادی از مردم از لحاظ آناتومی ویژگی‌هایی دارند که در بین مجرمین مشترک است مثل جمجمه غیرطبیعی، بینی پهن، آرواره‌های بزرگ و چشمانی مغولی. برخی از زیست‌شناسان بین آناتومی بدن و نوع رفتارهای سارقین ارتباط یافته، و جرم‌های ارتکابی هر تیپ را مشخص کرده‌اند. از نظر اقتصاددانان سرقت از دریچه منفعت و هزینه است، به همین دلیل اشخاص وقتی مرتکب جرم می‌شوند که هزینه آن از منافع به‌دست آمده کمتر باشد. همچنین عوامل دیگری نظیر فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمد، صنعتی شدن شهرها و آموزش نیز در این خصوص مؤثر هستند.

گری بکر اولین اقتصاددانی بود که در سال ۱۹۶۸ با استفاده از وسایل علمی و فنی با تحلیلی اقتصادی پایه‌گذار اقتصاد جرم بود. او در مقاله خود بیان داشت که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است. به اعتقاد بکر، برخی افراد در پی حداکثرسازی سود خود، با تحلیل منفعت هزینه این فعالیت

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

که منفعت مادی جرم نسبت به کارهای قانونی و یا در نظر گرفتن احتمال دستگیری و مجازات آن بیش از فعالیت های قانونی است و مرتکب سرقت می شوند (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

جون، مورفی و پریس در سال ۱۹۹۳ به بررسی اثر نابرابری دستمزدها و افزایش بازدهی متخصصان در ایالات متحده آمریکا پرداختند و این نابرابری در دستمزدها را دلیل افزایش جرم و سرقت دانستند.

ویت و همکارانش در سال ۱۹۹۸ در بررسی خود، روی ۱۱ منطقه انگلستان در فاصله زمانی چهار ساله ۹۳-۱۹۷۹ به این نتیجه رسیدند که متغیرهایی از جمله نابرابری دستمزدها، نرخ بیکاری شاخص تراکم جمعیت، تعداد سرانه پلیس، تعداد جمعیت گروه های سنی ۱۴-۱۰ و ۲۴-۲۰ سال باعث افزایش نرخ جرم می شوند که از جمله اثرگذارترین آنها شاخص تراکم جمعیت بوده که افزایش یک درصدی در این متغیر موجب افزایش ۱/۸۵ درصدی در میزان ارتکاب به جرم می شود.

کلی در سال ۲۰۰۰ تحقیقات چون مورفی ویچرس را مورد آزمون قرار می دهد و بیان می کند، بازدهی انتظاری جرم زمانی که افراد با سطح زندگی پایین در کنار افراد دارای سطح زندگی بالا قرار می گیرند، افزایش می یابد. وی بیان می کرد افرادی که دارای فرصت های اندکی در مقایسه با جامعه هستند، برای رسیدن به اهداف خود دست به کارهای غیرقانونی می زنند.

ماشیرو توشیما در سال ۲۰۰۰ به بررسی رابطه میان شاخص های اقتصادی و جرم در ۱۷ منطقه ژاپن پرداخته است و به این نتیجه رسید که میان نرخ های بیکاری، قتل و سرقت مسلحانه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و نابرابری درآمدی رابطه مثبت با سرقت عادی داشته و قتل و سرقت مسلحانه ارتباط معنی داری ندارد.

در ایران نیز مطالعاتی در خصوص اقتصاد جرم و جنایت صورت پذیرفته که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

حسینی نژاد در سال ۱۳۸۴ در مقاله ای تحت عنوان «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل تلفیقی مورد سرقت» به بررسی عوامل موثر به جرم در ایران پرداخته، مورد استفاده وی از نوع اقتصادسنجی بر مبنای داده های تلفیقی است. وی در این مقاله به مطالعه موردی بر سرقت اتومبیل و اماکن پرداخته و نتایج خوبی را به دست آورده است:

۱. سرقت اتومبیل: افزایش نابرابری و افزایش نسبت جوانان در جامعه اثر مثبت و افزایشی می گردد و افزایش هزینه های انتظامی و رشد اقتصادی اثر کاهنده در بر دارند.

۲. سرقت اماکن: افزایش نابرابری و افزایش جوانان در جامعه دارای اثر معنی دار و مثبت است و افزایش هزینه های انتظامی دارای اثری کاهنده است (حسینی نژاد، ۱۳۸۴، صص ۳۵، ۴۱).

صادقی و همکارانش در سال ۱۳۸۳ در پژوهش خود با عنوان «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران» به بررسی عوامل اقتصادی جرم، قتل و سرقت با استفاده از روش پانل دیتا پرداخته اند. متغیرها در ۲۶ استان کشور نشان داد که افزایش در میزان فقر نسبی و نابرابری ۸۰-۱۳۷۶ مورد استفاده

عبارتند از: فقر نسبی، نابرابری درآمدی نرخ بیکاری و صنعتی شدن. یافته‌های حاصل از این پژوهش طی دوره زمانی درآمدی موجب افزایش در نرخ سرقت شده و افزایش صنعتی شدن کاهش دهنده این امر است. از سوی دیگر، متغیرهای فقر نسبی، نابرابری درآمدی و نرخ بیکاری از عوامل موثر بر قتل در کشور بوده و با آن رابطه مستقیم دارد (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۵).

تحقیقات علمی انجام گرفته به وضوح حاکی از آن است که ریشه جرایمی مثل دزدی نتیجه و برآیند شرایطی متعدد مثل شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی است. ساختار اجتماعی آینه‌ای است که ارزش‌ها و اولویت‌های جوامع را نشان می‌دهد (کریستین سن، آرتور، ۱۳۹۱). ناگفته نماند که بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق ما را از انجام این پژوهش که با رویکرد بررسی جنبه‌های روانی و اجتماعی صورت می‌گیرد، بی‌نیاز نکرده و ضرورت انجام پژوهشی نظام‌مند و منسجم در این حوزه را بیشتر نشان می‌دهد.

روش تحلیل داده‌ها

این تحقیق با مطالعه توصیفی-تحلیلی و با رهیافت میان رشته‌ای به بررسی و تحلیل مفهوم سرقت و ریشه‌های اجتماعی و روانی موثر بر بروز و افزایش این رفتار مجرمانه می‌پردازد.

سوالات تحقیق

- ۱- سرقت چیست؟
- ۲- عوامل روانی موثر بر بروز سرقت کدام‌اند؟
- ۳- عوامل اجتماعی که نقش کلیدی در بروز و رواج سرقت دارند، کدام‌اند؟

روش گردآوری اطلاعات: اجرای طرح مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است.

۱- مفهوم‌شناسی سرقت

لفظ سرقت از ماده «سَرَقَ» به معنای «دزدیدن» است (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۴۶۸)، و استراق سمع به معنای دزدانه گوش کردن، از همین کلمه ساخته شده است. واژه سرقت در کتاب‌های لغت به معنای گرفتن شیء در پنهان است و در معنای آن مفهوم خفا و پنهان اخذ شده است (حسین نژاد، ۱۳۸۴). در قرآن کریم نیز چنین آمده است: «الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین.» «مگر هر شیطنی که برای استراق سمع به آسمان نزدیک شد، در این صورت تیر شهاب شعله آسمانی او را تعقیب کرد» سوره حجر، آیه ۱۸.

ربودن یا برداشتن بی اجازه مال دیگران یا گرفتن و بردن مال مردم و پول کسی به زور یا مکر و حیله را در عرف سرقت گویند. سرقت تنها وقتی موجود است که شیء موضوع جرم بدون آگاهی و برخلاف میل صاحب آن از تصرف دارنده قانونی آن به تصرف عامل جرم درآید (رابرتسون یان، بهروان،

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

۱۳۷۲، ص ۳۲). در قوانین کیفری و فقه جزائی ربودن مال غیر بدون اذن حالت‌های مختلفی دارد که تسامحا به همه آنها سرقت گفته می‌شود، زیرا عمل دزدیدن گناه مخفیانه و به‌طور پنهانی و از حرز است که در صورت وجود شرایط عدیده دیگر که به‌طور دقیق در کتب فقهی و قانون مجازات اسلامی به تاسی از فقه امامیه احصاء گردیده است، مجازات قطع ید را در پی دارد و به آن سرقت گفته می‌شود و گناه نیز علنی و بدون قهر و غلبه است که آن را استلاب گویند و اگر با قهر و غلبه صورت گیرد، غصب خوانده می‌شود که فقط مسئولیت مدنی برای غاصب در پی دارد. گاهی نیز عمل ربایش آشکار و از غیر حرز و بدون زور است که اختلاس نامیده می‌شود. البته دزدیدن مال دیگری گاهی از طریق تمسک به عملیات فریبکارانه است که عنوان احتیال یا کلاهبرداری را به خود می‌گیرد. به‌جز سرقت به معنای خاص، اقسام دیگر سرقت، مجازات‌های تعزیری را به دنبال دارند نه حد قطع ید (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتب فقهی؛ طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۷۱۶. حلی، ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۴۸۳. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۴۸۶. نجفی، حسن، صاحب جواهر، ج ۴۱. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۸۴. موسوی گلپایگانی، محمدرضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۳، ص ۱۰۶-۱۰۴). سرقت در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سابق سرقت چنین تعریف شده بود: «ربودن مال دیگری به‌طور پنهانی». این تعریف تنها شامل سرقت حدی یعنی دزدیدن مال دیگری که مجازات قطع ید را در پی داشت، شامل می‌شود که اگر به جای قید «به‌طور پنهانی» از عبارت «به‌طور متقلبانه» استفاده شود، شامل سرقت حدی و تعزیری یعنی دیگر اقسام سرقت؛ اختلاس، استلاب و غیره می‌شود، که در این صورت سرقت یعنی: «ربودن مال منقول متعلق به دیگری به‌طور متقلبانه». در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۷ قید مخفیانه یا پنهانی بودن برداشته شده که با این تعریف قانونگذار سعی در تعریف عمومی برای سرقت تعزیری و حدی نموده است. در این تحقیق، رویکرد تحقیق بررسی علل و عوامل موثر بر بروز جرم است، انحصاراً به موضوع بیان شده پرداخته می‌شود. علل سرقت به‌طور کلی ۳ دسته است:

۱- مادی: یکی از علل دزدی نیازهای مادی است که عده‌ای از افراد به علت زندگی فقیرانه‌ای که دارند و برای رفع نیازهای اولیه و غیره چون تغذیه، لباس، اسباب بازی، مسکن و پول که در حد مطلوبی نیست و ارضاء نمی‌شوند، دست به دزدی می‌زنند و حس تملک و شکایت خانواده از وضع اقتصادی بیشترین تشویق کننده است.

۲- روانی: ناکامی و فقرهای عاطفی، بی‌مهری‌ها، احساس ناامنی و حسادت موجب می‌شود که فرد به نوعی واکنش مانند سرقت در برابر این کمبودها دست بزند. علل روانی سرقت می‌تواند به خاطر تخلیه عقده‌های روانی که بیشتر اینها پیشینه در کودکی فرد دارند، رخ دهد.

۳- اجتماعی: هنگامی که فرد در شرایط سوء تغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزش، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایط مشابه قرار گیرد، به ناچار گزینه فعالیت‌های غیرقانونی را انتخاب می‌کند. به عبارت دیگر، فقر معلول انواع فسادهاست. عواملی مثل الگوی غلط تربیتی، معاشرت با دوستان ناباب، ضعف مذهبی، سقوط ارزش‌های اخلاقی، محیط اجتماعی نابسامان، بحران‌های اجتماعی،

جنگ، طلاق والدین، سخت‌گیری‌ها و آزادی عمل‌های خانواده در دوران کودکی هم تشدیدکننده این رفتار هستند (ایران‌شاهی، ۱۳۸۴، ص ۷۹ و ۸۰).

سرقت به عنوان یک جرم و پدیده انحرافی، همانند جرائم و کجروی‌های دیگر، دارای دو دسته عامل است:

الف) عوامل زمینه‌ساز (دور): عوامل زمینه‌ساز سرقت را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد:

- ۱- عوامل اقتصادی. که بررسی این عامل خارج از مساله تحقیق بوده و بعضی تلاش‌های علمی صورت گرفته در این زمینه در بخش پیشینه تحقیق به تفصیل بیان شد.
- ۲- عوامل روانشناختی
- ۳- عوامل اجتماعی (جامعه‌شناختی)
- ۴- عوامل زیست‌شناختی
- ۵- عوامل فرهنگی

لیکن واقعیت آن است که هیچیک از این ۵ رویکرد به تنهایی قادر به تبیین کامل پدیده سرقت نیست. چه، در ارتکاب این پدیده همواره بیش از یک عامل نقش و سهم دارند. به عنوان مثال، نابرابری و فقر (به عنوان یک متغیر اقتصادی) تنها زمانی می‌تواند منجر به گرایش به سرقت شود که اولاً تبدیل به یک انگیزش روانی (مثلاً احساس تبعیض) شود و ثانیاً: ترس از کنترل اجتماعی (به عنوان یک عامل جامعه‌شناختی) از میان برود.

ب) عوامل بروزدهنده (نزدیک): مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

- ۱- امکان؛ یعنی جایی که انجام سرقت در آن آسان و احتمال گیر افتادن ضعیف باشد.
- ۲- گمنامی؛ یعنی شرایطی که در آن احتمال شناخته شدن محدود باشد.
- ۳- فرصت؛ یعنی زمان و فرصتی که دستبرد زدن را تسهیل کند.
- ۴- سهولت؛ یعنی شرایطی که با فرصت کمتر بتوان به مال بهتر دست یافت (هزینه-فایده)
- ۵- قبح اندک؛ مالی که دستبرد زدن به آن سرزنش اجتماعی کمتری را در پی داشته باشد، احتمال به سرقت رفتنش بیشتر است.
- ۶- برانگیختگی؛ افرادی که به سبب مصرف مواد روان‌گردان سطح هوشیاری‌شان مختل شده است، شانس بیشتری برای دست یازدیدن به سرقت دارند.

بررسی‌ها نشان داده است علل اجتماعی هم می‌تواند با تأثیر روی رفتار و واکنش‌های اجتماعی و ساختار یک اجتماع در بروز جرم‌های مختلف از جمله دزدی نقش داشته باشد. به این دلیل، علاوه بر علل زیستی و روانی، به جامعه باید به عنوان عامل احتمالی بروز دزدی نگاه کرد. از نظر ماکس وبر «جامعه‌شناسی علمی است که می‌خواهد از طریق تفهیم تفسیری رفتارهای اجتماعی به روشن کردن علل و ریشه‌ها و پیامدهای آن رفتارها دست یابد» (گولر و کولب، ۱۳۸۴، ص ۲۰). با عنایت به مساله تحقیق که

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

بررسی جنبه های تأثیرگذار روانی و اجتماعی بر بروز سرقت است، از طرح و ورود به مباحث؛ اقتصادی، فرهنگی، زیست شناختی و نیز عوامل برزدهنده خودداری می شود.

۲- عوامل روانشناختی

از دید داروین انسان به حسب جنس، موجودی است شرور و بدخواه و ظالم که جز قتل و غارت و دزدی و حيله و دروغ از او سر نمی زند، طبیعت او شرارت است و فساد، استثمار است و ظلم. اگر هم در تاریخ بشر خیر و اخلاق و ارزش های انسانی دیده می شود، اینها اموری جبری است که طبیعت او را وادار می کند که قدری چنین باشد. درون انسان، انسان را به بدی می کشاند و گاهی جبر، انسان را به خوبی دعوت می کند. مثلاً وقتی که انسان ها در مقابل طبیعت و حیوانات درنده قرار گرفتند، متوجه شدند اگر با هم قرارداد صلح اجباری نبندند، نمی توانند از خودشان دفاع کنند، لذا اجباراً بر خودشان تحمیل کردند که یک زندگی اجتماعی داشته باشند و با هم بر اساس عدالت رفتار کنند، زیرا نفع همه در آن است. پس جبر بیرونی انسان را وادار کرد که خوب باشد.

مهمترین عوامل روانی در بروز جرم سرقت عبارتند از:

الف- اختلال شخصیت ضداجتماعی. این نوع اختلال یکی از انواع اختلالات شخصیت است که مشخصه اصلی مبتلایان به آن، داشتن الگوی نافذ بی اعتنایی و تجاوز به حقوق دیگران است که از سن ۱۵ سالگی شروع شده و دوام پیدا می کند. فریبکاری، تکانشی بودن در رفتار، پرخاشگری، نبود احساس مسئولیت، فقدان احساس گناه و پشیمانی و بی توجهی به ایمنی خود و دیگران، از جمله رفتارهای رایج این بیماران است. افراد مبتلا به این اختلال اغلب فاقد احساس های معمولی هستند. افرادی بی رحم، بدبین و آزاردهنده و بی ملاحظه نسبت به حقوق و احساس های دیگران هستند. دروغگویی، فرار از مدرسه و منزل، دزدی، نزاع، مصرف مواد مخدر، بی مبالاتی جنسی، بی رحمی نسبت به دیگران و بدرفتاری نسبت به همسر و فرزند از اتفاقات متداول در زندگی مبتلایان به این اختلال است. مبتلایان به اختلال شخصیت ضداجتماعی، در واقع بیشترین درگیری را با انواع جرایم دارند و در بین زندانیان سابقه دار بیشترین افراد را به خود اختصاص می دهند. همانطور که اشاره شد، ارتکاب سرقت به عنوان یکی از جرایم رایج در بین این افراد است.

ب- جنون دزدی. جنون دزدی یکی از انواع اختلالات مواظبت تکانه است. این اختلال به طور خاص با عمل سرقت دزدی رابطه دارد. خصوصیت اساسی جنون دزدی، ناتوانی مکرر شخص برای مقاومت در برابر تکانه دزدیدن اشیایی است که، برای مصرف شخصی، یا ارزش مادی مورد نیاز نیست به طوری که، مبتلایان به دزدی معمولاً توانایی خرید آنچه را که دزدیده اند، دارند و دزدی آنان معمولاً بدون طرح ریزی قبلی و مشارکت دیگری رخ می دهد. مبتلایان معمولاً احساس تنش فرآیندی بلافاصله قبل از ارتکاب دزدی و احساس لذت و رضایت و رهایی هنگام ارتکاب دزدی دارند. طبق گزارش کاپلان و سادوک جنون دزدی ظاهراً اختلالی نادر است و در حدود ۵ درصد از افرادی هستند که به جرم سرقت از

فروشگاه‌ها دستگیر می‌شوند. احتمالاً این اختلال در بین زنان و سارقان از فروشگاه‌ها شایع‌تر است (پورافکاری، ۱۳۶۸، ص ۱۵). کسانی که تاریخچه بلند بالایی در دزدی دارند، به کمک‌های حرفه‌ای احتیاج دارند. دزدی مداوم نشانه‌ای جدی است که اغلب نشانگر رنجش خاطر شدید نسبت به احکام و قوانین مقتدرانه است. این نوع افراد نسبت به حق مالکیت بی‌اعتنا هستند و برایشان بی‌ارزش و مفهوم است. در بررسی علل و انگیزه‌های سرقت می‌توان از عوامل متعدد نام برد که چند نمونه آن به اختصار بدین شرح است:

۱- عوامل ذهنی مانند هوش کم یا زیاد، استعدادهای فردی و نظایر آن

۲- سن: بی‌شک تقسیم‌بندی انواع سرقت برحسب سارقان متعلق به گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است تا جایی که برای مثال می‌توان گفت، بسیاری از آنچه بزرگسالان در رفتار کودکان دزدی می‌نامند، از نظر روانشناسان کودک ممکن است صرفاً کنجکاو باشد.

۳- جنس: چون به طور معمول قدرت بدنی زن از مرد کمتر است، یا به تعبیر زیست‌شناسان مرد بیش از زن قدرت تحرک دارد، بنابراین موارد ارتکاب سرقت به‌خصوص اگر سرقت‌هایی که به طریقی با قدرت و تحرک بدنی ارتباط دارد بین دو جنس متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، دختران بیشتر اشیاء کوچک را می‌ربایند، و پسران غالباً وسایل الکتریکی و وسایل نقلیه (دوچرخه، موتورسیکلت، اتومبیل) را به سرقت می‌برند.

۴- وضعیت بدنی: زشتی و زیبایی، نقض عضو، بلندی و کوتاهی بیش از حد ممکن است از عوامل موثر در ارتکاب انحراف باشد. گاه دیده شده که شخص تنومند و قوی پنجه که از تاثیر هیکل خویش آگاهی دارد، برای خود حقی تصور می‌کند. عکس آن نیز صادق است. به این معنی که گدایی یا جیب‌بری در میان اشخاص ضعیف‌الجثه بیشتر دیده می‌شود. اما آنچه بیش از همه در این پدیده تاثیر دارد، عوامل روانی عاطفی و اجتماعی- اقتصادی است. هر چند به یک تعبیر ظریف‌تر می‌توان عوامل دیگر و از جمله چهار مورد فوق را نیز متأثر از این عوامل دانست (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹).

۱- فقر عاطفی: فقر عاطفی از عوامل فردی سرقت است. کودکانی که از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند، معمولاً در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که در اثر طلاق از هم پاشیده شده، یا والدین تربیت مناسبی را برای فرزندان در نظر نگرفته‌اند. مرگ یکی از والدین و تبعیض بین فرزندان حالت‌هایی چون انزوای طلبی، افسردگی و اختلالات رفتاری در کودکان به‌وجود می‌آورد و این عوامل به نوبه خود ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند.

۲- ناکامی: ناکامی یا محرومیت اصطلاحی است که در زمینه شکست در ارضای تمایلات به کار می‌رود و مراد از آن عدم امکان نیل به هدف است. وقتی انسان میل دارد به هدفی برسد؛ ولی به علت برخورد با مانع یا موانعی چند بر آن هدف دست نمی‌یابد، در او ناکامی ایجاد شده است. وقتی میان امیال شدید و اهدافمان سدهای ناشکستی و ناگذشتنی حایل باشد، با ناکامی و تعارض و تنش مواجه می‌شویم. به عنوان مثال، جوانی که در خانواده‌ای فقیر تولد یافته و در کودکی محبت ندیده و سال‌ها مورد بی

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

مهتری واقع شده، احتمالاً در بزرگی به غارتگری اموال دیگران دست می‌زند و این امر برای او رضایت خاطری را فراهم می‌آورد که همواره در جستجوی آن است.

۴- حسادت: حسد آرزوی زوال نعمت برای دیگران است. گاه فرد با توجه به عدم امکان دستیابی به موقعیت و منزلت دیگران رشک و حسد می‌برد و چون نمی‌تواند به مانند صاحبان اموال مالک آنها گردد، دست به دزدی می‌زند.

۵- تجربه‌های دوران کودکی: حوادث تلخ دوران کودکی ممکن است از فرد شخصیتی جامعه ستیز بسازد که در بزرگسالی او را به اعمال ضد اجتماعی سوق دهد. چنین فردی دارای کج‌رویه‌های چندی است و از جمله از اذیت و آزار دیگران و نیز سرقت اموال آنها لذت می‌برد، زیرا وقتی دست به چنین کاری می‌زند گمان می‌کند انتقام خود را از دنیای بی‌رحم گرفته است.

۶- احساس ناامنی: وضعیت مغشوش خانواده، ستیز و ... اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت‌آمیز والدین، از علل مهمی است که جوان را دچار نگرانی و ناامنی کرده، در خود فرو می‌برد و به کناره‌گیری از دیگران به ویژه پدر و مادر می‌کشد. جوان در چنین شرایطی روابط خود را با والدین گسسته، گاه در نتیجه فشار یا خواست درونی ناچار می‌شود برای ارضای نیازهای مادی و معنوی خود یا برای انتقام گرفتن از والدین به خاطر محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های نابجای آنان، دست به سرقت بزند.

۷- خودنمایی: برخی از جوانان برای نشان دادن صفت «کله شقی» و جرأت حادثه‌جویی که برای آنها بسیار ارزشمند است، به بزهکاری روی می‌آورند و ظاهراً مصرف مواد مخدر یا دست زدن به سرقت برای یک جوان او را در چشم همگانش کسی می‌سازد. از این‌رو، فرد با موقعیت‌های مساعدی برای ارتکاب جرم روبرو می‌شود، به دزدی و غارت اموال دیگران دست می‌زند و اموال مسروقه را با افتخار در اختیار دوستان می‌گذارد و بدین وسیله با ایفای چنین نقشی، نیاز به تعلق خاطر گروهی خود را برآورده می‌سازد (مجبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

۷- محبت زیاد: زیاده‌روی در محبت نیز مانع رشد و تکامل شخصیت کودک می‌گردد. کودکان نازپرورده که در محیط خانواده تمام توقعات و خواسته‌هایشان بدون چون و چرا انجام می‌گیرد در اجتماع نیز انتظار دارند تمام آرزوهای آنان به زودی برآورده شود. در صورت عدم توفیق و روبه‌رو شدن با شکست تصور می‌کنند که همه بر علیه آنان قیام نموده و عداوت دارند. در نتیجه ترسو، خودخواه، پرمدها و پرتوقع بوده یا قبول عضویت در باندهای مختلف سرقت، می‌خواهند از جامعه انتقام بگیرند (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

۳- عوامل اجتماعی. اهمیت شرایط اجتماعی در تبیین علل سرقت بر کسی پوشیده نیست، لاکسانی درباره تاثیر محیط اجتماعی می‌گوید که اگر نتوان آنرا عامل انحصاری شناخت، ولی برترین و مهمترین عامل سرقت و دیگر بزهکاریها است. نظر او را می‌توان در دو فرمول زیر خلاصه کرد:

- هر جامعه فقط دارای تبهکاران مخصوص به خود است.

- محیط اجتماعی به مثابه آبگوشت ویژه کشت تبهکاری است. میکروب قابل کشت در آن، تبهکار است و اهمیت این عنصر فقط آنگاه آشکار می‌شود که محیط مناسب برای رشد خود بیابد (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). برخی از عوامل اجتماعی سرقت عبارتند از:

۱- فقر فرهنگی: روانشناسان اجتماعی جرم و مجرمین را سرپیچی از هنجارها، رسوم، سنت‌ها و قوانین جامعه می‌دانند. رسوم و سنت‌ها و قوانین هر جامعه به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای است که از نسل‌های قبل به نسل‌های بعد منتقل می‌شود مورد احترام است و تجاوز به آن جرم محسوب می‌گردد. فقر فرهنگی نقش اساسی در ایجاد جرم دارد. دزدان اکثراً بیسوادند و بیسوادان در اثر فقدان امکانات رشد فکری برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر فرهنگی مثلاً از توانمندی‌های جسمی بهره می‌گیرند. ساترلند در تبیین علل جرم به عوامل قومی، مهاجرت، ناسازگاری‌های برخی از گروه‌ها و عدم رشد خرده فرهنگ‌ها توجه دارد و تبهکاری را مساله‌ای ناشی از تعارض فرهنگی می‌شناسد.

۲- طبقاتی بودن جامعه و نابرابری‌های اجتماعی: نظریه تضاد بر پیامدهای شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود در جامعه تکیه دارد طرفدان این نظریه تا حدی تبیین‌های متفاوتی را درباره چرایی بروز نابرابری‌های اجتماعی عنوان می‌کنند. چامبلیس و سیدمن عقیده دارد که چنین شرایطی در هر جامعه عنوان پیچیده‌ای که دارای نظام طبقاتی باشد به وجود می‌آید. کوئینی نظام سرمایه‌داری را منشاء چنین نابرابری‌هایی می‌داند. کوهن آسیب‌شناس اجتماعی پاره فرهنگ‌ها را از مشخصه‌های اصلی جوامع طبقاتی می‌داند که احتمال کجروی‌های اجتماعی را فزونی می‌بخشند زیرا عواملی چون سرقت در بین برخی از گروه‌های نوجوان و جوان ممکن است بصورت هنجار در آمده باشد درحالی که همین عمل از نظر غیرعادی و نابهنجار تلقی شود.

۳- شهرنشینی و زاغه نشینی: گسترش بی‌رویه شهرها و انبوهی جمعیت هر دو از عوامل جرم‌زا هستند در شهرها فرد با روابطی دست به گریبان است که غیر شخصی بوده غالباً آنچه را می‌خواهد در این گونه روابط نمی‌یابد و با مسایلی ناشی از ضعف روابط شخصی یعنی آنچه که بی‌توجهی نسبت به شناخت واقعی او است مواجه می‌شود.

افرادی که در محله‌های پرجمعیت شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند با شرایط اجتماعی و اقتصادی سختی روبرو بوده مشکلات عدیده‌ای را به دوش می‌کشند زندگی برای کودکان در چنین شرایطی مانند زندانی است که هیچ راه گریزی بر آن متصور نیست انبوهی و تراکم جمعیت که از ویژگی‌های محله‌ها و زاغه‌ها است موجب می‌شود تا فرد بتواند در زندگی داخلی و خصوصی خود مسایل و مشکلات شخصی را بروز دهد ناچار آن را از دیگران پنهان می‌دارد. از این‌رو، سرقت، فحشاء اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی که به طور عجیبی در اماکن شلوغ و فقیرنشین شهری رواج دارد از بین نخواهد رفت مگر اینکه شرایط و عوامل اقتصادی و اجتماعی که موجب پیدایی این مسایل شده دگرگون شود و از بین برود.

از هم پاشیدگی خانواده و عدم امنیت عاطفی کودک: آسیب‌شناسان اجتماعی یکی از عمده‌ترین علل بزهکاری کودکان را ستیز در خانواده می‌دانند و معتقدند جدایی والدین نقش بسیار منفی و ویرانگری در شخصیت کودکان دارد و زمینه را برای ارتکاب بزهکاری در آنان فراهم می‌آورد. بیشتر بزهکاران آغاز

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

سرکشی خود را جدایی پدر و مادر، اختلاف خانوادگی و متشنج بودن خانواده ذکر کرده‌اند. جای تردیدی نیست که خانواده نقش مهمی را در پایه‌ریزی شخصیت کودک بر عهده دارد. کودک امنیت عاطفی خود را که در شکل ذهنی شخصیت او اهمیت به سزایی دارد در آغوش خانواده به دست می‌آورد. بنابراین، هر نوع خدشه‌ای که به این امنیت عاطفی وارد شود در روند طبیعی شکل‌گیری شخصیت کودک اختلال ایجاد می‌کند. در تمام موارد کمک و درمان کودک و یا نوجوان بستگی تام به شناخت انگیزه‌های حاکم بر رفتار او دارد؛ مثلاً برای کودکی که گرسنه است باید حداقل نیاز اولیه او رفع شود به کودکی که برای جلب توجه و تأیید گروه دوستانش دست به دزدی می‌زند باید کمک کرد تا از طریق راه‌های مشروع در در پی کسب محبوبیت اجتماعی برآید. کودکی که برای جلب توجه والدین یا انتقام جویی از آنها دزدی می‌کند باید مورد توجه و محبت بیشتری قرار گیرد. از دیدگاه روان‌شناسان، اعتراف خواستن از کودکی که دزدی می‌کند و یا تهمت زدن به او در نزد دیگران بسیار نادرست و نامعقول است زیرا در این گونه روش‌ها ریشه اصلی و علت بنیادی سرقت به سختی و به ندرت قابل تشخیص خواهد بود و این عمل به دروغجویی کودک یا ریختن آبروی او برای عملی که ممکن است دیگر هرگز مرتکب آن نشود منتهی خواهد شد. (نوابی نژاد، ۱۳۷۵، ص ۶۵)

۴- معاشرت با دوستان ناباب: ساترلند در نظریه پیوند افتراقی (انتقال فرهنگی) خود می‌گوید: رفتار مجرمانه مانند هر نوع رفتار دیگری آموختنی است. از این رو، داشتن دوستان ناباب و تأثیر معاشرت با آنها در کشیده شدن فرد به سوی سرقت نقش اساسی دارد. به موجب تحقیقی که در ایران انجام شده ۴۲ درصد سارقان تحت بررسی دوستان نابابی داشته و ۷۵ درصد آنها با چنین دوستانی رفت و آمد زیاد و طولانی داشته‌اند.

بیکاری: بیکاری عامل مهم دیگری در ایجاد فقر است و فقر نیز از عوامل اصلی سرقت و جرم محسوب می‌شود. بیکاری از دو جهت در ازدیاد سرقت نقش دارد؛ یکی وجود فرصت‌های اضافی و خالی بودن اوقات فراغت: وقتی افراد جامعه به ویژه جوانان فرصت‌های اضافی داشته باشند و این فرصت‌ها از مجرای درست و صحیح نتواند مورد استفاده قرار گیرد طبعاً به روش‌های غیر اصولی و ضد اجتماعی کشیده می‌شوند. موارد بسیاری از دزدی‌ها نمونه‌هایی از این نوع است. و دیگری، نداشتن درآمد کافی برای گذراندن زندگی: هر فرد بیکار ناچار باید به نحوی زندگی خود را بگذراند و برای این گذراندن باید درآمدی داشته باشد چون کسب چنین درآمدی نمی‌تواند از راه‌ها و شیوه‌های درست و قانونی تأمین شود چه بسا فرد به راه‌های غیر قانونی کشیده شود و از طریق دزدی هزینه گذران زندگی خود را تأمین کند. بر طبق مطالعات جامعه‌شناسی آدمی در هر شرایط و موقعیتی به منظور بقای موجودیت خود، در تلاش برای کسب امکانات مادی بوده است از این رو مسئله تأمین معاش در معنای عام کلمه از مهمترین مسائل زندگی محسوب شده است. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونی‌ها و تغییرات زیادی شده اما تنها چیزی که از بدو پیدایی و شکل‌گیری آن تاکنون ثابت مانده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است. با وجود این همه مسئله، جلوگیری اجتماعی در بروز دزدی بسیار موثر است چون کسیکه دزدی کوچکی می‌کند قادر است در آینده به دزدی‌های بزرگ تری دست بزند. در جامعه‌شناسی، آگاهی

شناختی در پیشگیری از بروز انواع جرایم نقش کلیدی دارد که این کار باید از دوران کودکی و به خصوص مکتب به افراد تعلیم داده شود. در این آگاهی شناختی، خوب و بد در یک روند اجتماعی به افراد آموخته می شود و ظرفیت مواد برای برخورد مناسب با احساسات منفی خود و دیگران بالا می رود. (آنتونی گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۷۱)

۵- مهاجرت به شهرها و اثرات روانی-اجتماعی آن: اثرات هر نوع مهاجرت در دگرگونی‌های اجتماعی کم و بیش مشابه است اما از نظر جرم شناسی مهاجرت روستائیان به شهرها حایز اهمیت خاصی است. مهاجرت مشکلات عدیده را در پی دارد. جوانان یا خانواده‌هایی که به انتظار داشتن زندگی بهتر و با امید یافتن کاری مناسب به شهرهای بزرگ روی می آورند در مشکلات فراوان تری غرق می شوند و چون به خواسته‌های خود نمی‌رسند به کارهای خلاف و غیرقانونی کشیده می‌شوند. براساس پژوهشی در ایران "مهاجرت" در زندگی ۳۳ درصد سارقان تحت بررسی به صورت‌های مختلف نقش داشته است. اثرات روانی مهاجرت مهمتر از تأثیر مادی آن است. معمولاً شهری‌ها به روستائیان به نظر حقارت نگریسته و از لحاظ فرهنگ خود را برتر می‌دانند و آنان را در محافل خود نمی‌پذیرند. جوانانی که به تنهایی محیط خانواده را رها می‌سازند و به امید تحقق بخشیدن به آرزوی خود زادگاه خویش را ترک می‌کنند. غم انگیزترین سرنوشت مهاجران را دارند و ظن بروز حالات انحرافی و ارتکاب جرایم در آنان بیش از مهاجران خانوادگی یا گروهی و دسته جمعی است. (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴).

نتیجه گیری

دزدی یکی از رفتارهای مغل امنیت مالی و جانی افراد جامعه بحساب می‌آید که مبارزه با آن نقش موثری در رشد و توسعه اقتصادی و امنیت مالی دارد. رفتار مجرمانه دزدی تحت تاثیر عوامل گوناگونی است که پیشگیری از بروز و گسترش آن در گرو عطف توجه به ریشه‌ها و عوامل موثر بر پیدایش آن از جمله عوامل اجتماعی و روانی است. مهمترین عوامل مربوط به کاهش سرقت در جامعه می‌توان به بحث پیشگیری اجتماعی در بروز دزدی که بسیار موثر است اشاره نمود. چون کسی که دزدی کوچکی می‌کند قادر است در آینده به دزدی‌های بزرگ‌تری دست بزند. در جامعه‌شناسی، آگاهی شناختی در پیشگیری از بروز انواع جرایم نقش کلیدی دارد که این کار باید از دوران کودکی و به خصوص مدرسه به افراد آموزش داده شود. در این آگاهی شناختی، خوب و بد در یک روند اجتماعی به افراد آموخته می‌شود و ظرفیت مواد برای برخورد مناسب با احساسات منفی خود و دیگران بالا می‌رود. برای آنکه این شناخت در افراد به وجود بیاید به این موارد نیاز داریم: هم‌دردی و همدلی مداوم و بی‌وقفه پدر و مادر با فرزندان، افزایش سرویس‌های حمایتی برای والدین و افزایش حس اعتماد و هم‌دردی، همدلی و محبت در دوران بزرگسالی بین والدین و دولت با فرزندان. ریشه اجتماعی که باعث جرایم مختلف از جمله دزدی می‌شود شامل نابرابری‌های مختلف اجتماعی، تمرکز قدرت، نداشتن حمایت خانوادگی، دسترسی نداشتن به خدمات اجتماعی یکسان، فقدان رهبری در جامعه، کاهش ارزش‌گذاری در سلامت اجتماعی کودکان و نمایش بیش از حد جرایم و دزدی از طریق فیلم‌های تلویزیونی است. در بروز جرمی مثل دزدی معمولاً

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

یک عامل به تنهایی مطرح نیست و تلفیقی از چند عامل در بروز آن نقش دارد. به نظر می آید پیشگیری از وقوع جرم با افزایش امنیت در جامعه ارتباط مستقیم دارد برای این منظور نیز بایستی بر روی موارد زیر تأکید و اصرار نمود: ۱- تولید امنیت؛ ۲- حفظ امنیت و ۳- مبارزه با عناصر ضد امنیت. چنانچه هر گونه اقدامی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و افزایش امنیت جامعه با برنامه ریزی، سازماندهی و هماهنگی در بین متولیان امنیت و افراد جامعه از دیدگاه کارشناسانه، علمی و تخصصی صورت پذیرد و هدایت، نظارت و کنترل بر این اقدامات از مسیر تخصصی باشد و از نظرات این کارشناسان بهره گرفته شود یقیناً شاهد نظم اجتماعی ← کاهش جرائم ← آرامش جامعه ← افزایش خلاقیت و نوآوری ← پیشرفت و توسعه جامعه ← دسترسی به امکانات و تجهیزات مدرن و پیشرفته و در نهایت امنیت عمومی بالائی خواهیم بود. به طور مثال برای تحقق عملی افزایش امنیت و در نتیجه پیشگیری از وقوع جرم (سرقت) می توان به دو روش:

۱. کلیه صاحبان حرف مختلف و مجامع امور صنفی را موظف نمود تا قبل از اتخاذ تمهیدات لازم، جهت حفاظت فیزیکی (حرز مناسب) مکان فعالیت خود، و اخذ تأییدیه از کارشناسان زبده و اهل فن اقدام به بازگشایی و استفاده از محل کسب و کار خویش نمایند.

۲. شهرداری ها و مراجع ذیربط قبل از صدور پروانه بهره برداری جهت اماکن تجاری مهم - پاساژها، کارخانجات صنعتی و تولیدی و یا حتی در حین ساخت این اماکن، مالکین و مجریان ساخت چنین بناهایی را موظف نمایند با کارشناسان و متخصصین امنیتی - انتظامی در خصوص مسایل حفاظت فیزیکی (محل تعبیه دربهای ورودی پرسنل، کالا، مشتریان، خودرو و غیره) مشاوره و پس از تایید توسط این قبیل کارشناسان، نسبت به صدور پروانه بهره برداری اقدام شود. با این دو روش دستگاه های دولتی و سازمان های ذیربط فرصت بیشتری جهت برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت، نظارت و کنترل و ارائه خدمات به جامعه خواهند داشت. در کشورهایی که پلیس به عنوان ضامن تامین کننده امنیت با اجتماع رابطه عمیق تر و اصولی تر دارد، هم جمع آوری اطلاعات در این زمینه برایش راحت تر است و هم امکان پیشگیری از بروز دزدی بیشتر می شود. بی دلیل نیست که در برخی کشورهای توسعه یافته از جمله هلند بخش های مختلف دولت مثل سارنوالی، تامین اجتماعی، وزارت مسکن همگام با سایر ساختارهای دولتی با پلیس همکاری می کنند تا علل مختلف وقوع جرایمی مثل دزدی حذف شود.

بر همین اساس می توان راه های زیر را برای کاهش میزان سرقت پیشنهاد کرد:

۱- مراقبت خانواده ها نسبت به انتخاب دوست توسط فرزندان: کنترل و مراقبت پدر و مادر در مورد دوستان ناباب و به طور کلی دوستان فرزندان یک ضرورت است، زیرا عدم توجه پدر و مادر به چنین مسائلی، به صورت مکرر از سوی سارقان عنوان شده است.

۲- فراهم ساختن زمینه اشتغال: نظام آموزش و پرورش باید طوری طراحی شود که نوجوانان و جوانان را با کار و فعالیت های اجتماعی آشنا سازد و این آشنایی وسیله ای باشد برای تأمین معاش و کسب

- درآمد؛ به ویژه برای آنانی که از بنیه مالی کمتری برخوردارند. زیرا چنانچه نوجوانان احساس استقلال مالی کنند و عزت نفس خود را حفظ شده ببینند، به تعدیل و کنترل رفتارهای خود دست خواهند زد.
- ۳- تغییر محیط ناپه‌نجانار: تغییر محیط اجتماعی نیز می‌تواند در تربیت بزهکاران مؤثر باشد؛ زیرا شرایط مساعد و محیط خانوادگی و تربیتی مناسب برای تحول و پیشرفت او از اهمیت به سزایی برخوردار است. برای بزهکار باید شرایطی فراهم شود که احساس تنهایی و بی‌کسی نکند و عشق به زندگی و نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن در او تقویت شود.
- ۴- اجرای برنامه‌های پیشگیرانه: ترجیح دادن پیشگیری بر درمان به منظور حذف زمینه‌های مساعد برای ابتلای افراد به آسیب‌های اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. برای دست یافتن به جامعه ای سالم، باید پیشگیری را بر درمان ارجحیت داد، زیرا با اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و با صرف هزینه کم تر می‌توان افراد را زیر پوشش قرار داد.
- ۵- جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها: مبارزه مداوم با رشد بی‌رویه مشاغل کاذب نیز بسیار مؤثر است؛ چون به این وسیله از سیل مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری می‌شود. دیده شده است که مشاغل کاذبی چون: کوپن فروشی و نوار فروشی مجرای برای فریب دادن و آلوده کردن جوانان بی‌گناهی است که به امید رفاه نسبی عازم شهرهای بزرگ می‌شوند.
- ۶- ارتقای فرهنگ: آموزش اجتماعی و تربیتی به خانواده‌ها برای بالا بردن سطح فرهنگ خانواده، پرورش احساس مسئولیت والدین در قبال فرزندان، تأسیس مؤسسات آموزشی مناسب به منظور تعلیم حرفه و فن و ایجاد کانون‌های رفاهی و تفریحی مناسب به وسیله دولت یا بخش خصوصی از جمله اقدامات مفید دیگر است.
- ۷- تقویت ایمان مذهبی: آموزش اعتقادی و پرورش باورهای مذهبی در افراد برای استحکام مبانی ایمانی در خانواده‌ها ضروری است، زیرا پرورش اعتقادات و آموزش اصول مذهبی موجب جلوگیری از ارتکاب اعمال خلاف به ویژه سرقت می‌شود.
- ۸- فقرزدایی: هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که بدون فقر زدایی و بدون ناکامی زدایی قادر خواهد بود ریشه سرقت را ریشه کن کند (ستوده، ۱۳۸۶، صص ۱۶۶-۱۶۸). با توجه به اوضاع نابسامانی که در اثر فقر در زندگی به وجود می‌آید، یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از سرقت، اقداماتی است که در بهبود اوضاع اقتصادی فرد تأثیر داشته باشد (نوابی نژاد، ۱۳۸۳، صص ۲۴۴).
- ۹- خودداری از تحقیر و برجسب زدن: احترام، ابراز محبت و علاقه و پرهیز از تنبیه، تحقیر، تبعیض و سرزنش کودکان و نوجوانان از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه از سرقت محسوب می‌شود. ضمناً از کاربرد القابی هم چون: دزد، دست کج و از این قبیل عبارات به کودکان و نوجوانانی که مرتکب سرقت می‌شوند به خصوص افرادی که دچار وسواس دزدی هستند باید جداً پرهیز کرد (شامبیانی، ۱۳۸۵، صص ۱۴۴).
- ۱۰- تقویت همه‌جانبه پلیس: توجه به مسایلی هم چون: معیشت پرسنل، ایجاد انگیزش، ایجاد زمینه آموزش، ایجاد تعامل با ارگان‌ها، بازدیدهای تخصصی، نظارت بر نحوه عملکرد پرسنل و یگانها، تخصیص خودروها، تجهیزات لازم، نیروی کافی و دیگر عواملی که در مباحث علل انتظامی قرار می‌

تحلیل تأثیر جنبه های روانی و اجتماعی در بروز سرقت

گیرد می تواند در جهت پیشگیری از سرقت و ایجاد امنیت عمومی نقش بسیار مؤثری ایفا کند. (قهرمانی، کوه آرا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶)

۱۱- حمایت از سارقان پس از آزادی: منظور فراهم کردن شرایط مناسب برای کسانی است که از زندان آزاد شده اند تا از این راه بتوانند به سرعت جذب جامعه شوند و پیوند محکمی با دیگران برقرار کنند و از این طریق احتمال بازگشت مجدد آنان به جرم کاسته شود. متأسفانه این همان چیزی است که در جامعه ما به کلی نادیده گرفته می شود. طوری که فرد آزاد شده از زندان به عنوان یک مطرود اجتماعی نگریسته می شود افراد جامعه نسبت به وی دید منفی دارند و حاضر نیستند که او را به عنوان یک شهروند سالم بپذیرند. به همین دلیل است که اکثر مجرمان آزاد شده از زندان بعد از مدتی به ارتکاب مجدد جرایم روی می آورند و این عمل آنان در واقع واکنشی به رفتار اجتماع است.

۱۲- کنترل و پیشگیری از اعتیاد: لازم است که در راستای کاهش اعتیاد سیاست مناسبی اتخاذ شود تا از طریق کاهش میزان اعتیاد در بین جوانان، از میزان سرقت نیز کاسته شود. از آن جایی که اکثر معتادان برای تهیه مواد مخدر مورد نیاز خود به پول احتیاج دارند و فاقد منبع درآمد هستند؛ لذا برای تهیه مواد مخدر مورد نیاز خود به سرقت اموال دیگران دست می زنند.

۱۳- تقویت مراکز فرهنگی و تفریحی سالم: ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای و همکاری رسانه های گروهی برای جذب و شرکت افراد در سنین مختلف به ویژه نوجوانی و جوانی تا حد زیادی در جلوگیری از گرایش آن ها به دزدی و بزهکاری های دیگر مؤثر است. عدم اعتراف گرفتن: روان شناسان، گرفتن اعتراف از کودکان، نوجوانان و جوانانی که مرتکب دزدی شده اند را جایز نمی شمارند و حتی با بررسی بدنی و گشتن جیب و وسایل آن ها نیز به شدت مخالف هستند. زیرا بردن آبروی آنان و تهمت زدن امری غیرعقلانه و غیر منطقی است. با استفاده از ابزارها و روش های نادرست، علاوه بر این که علت اصلی ریشه یابی نمی شود، آن ها به دروغ گویی نیز گرایش پیدا می کنند. (اکبری، ۱۳۸۵، صص ۱۴۰-۱۴۲)

بطور کلی در درمان دزدی می توان با آموزش دادن افراد بویژه در دوران کودکی و نوجوانی و همچنین روان درمانی طولانی مدت برای بازسازی شخصیت و شناخت انگیزه درونی و رفع احتیاجات معنوی و عاطفی اقدام نمود. همچنین با شرکت دادن افراد و یا مسئولیت دادن در فعالیتهای مربوط به نمایش و تئاتر، موزیک و فعالیتهای ورزشی می توان در کاهش میزان سرقت مؤثر بود.

منابع

قرآن کریم

اکبری، ا (۱۳۸۵). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات رشد.
ایمانی، ع (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان.

فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، علمی- پژوهشی، شماره ۵، سال هفتم

- حسینی نژاد، م (۱۳۸۴). بررسی علل و اقتصاد جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی، مجله برنامه و بودجه شماره ۹۵ بهمن و اسفند.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۴). مبانی تکملة المنهاج، موسسه خوبی.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۳) الفقه الاسلامی و ادلته.
- ستوده، ه (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۰۴). ریاض المسائل، ج ۲، ص ۴۹۸، قم، آل‌البیت.
- شامبیاتی، ه (۱۳۸۵). بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران: انتشارات ژوبین.
- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۱۳). المصباح المنیر - مصر در دو جزء.
- قهرمانی، ع (۱۳۸۵). کوه آرا، م. بررسی عوامل انتظامی موثر بر سرقت اماکن تجاری (مغازه) شهر شیراز، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۳.
- کاپلان، ه. سادوک، ب (۱۹۸۸)، خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری (۱۳۶۸) انتشارات ذوقی تبریزی.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۹۱). تاریخ ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ دوم، تهران.
- گیدنز، آ (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گولر، ج. کولب و (۱۳۸۴). فرهنگ اجتماعی، ترجمه گروهی، ج دوم، تهران، انتشارات مازیار.
- مجابی، م (۱۳۹۲). نقش شیوه‌های تربیتی والدین برای پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماع.
- معلوف، ل. المنجد (۱۳۸۰) ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، تهران، صبا، چ دوم.
- نوابی نژاد، ش (۱۳۷۵). رفتارهای بهنجار و نابهنجار: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ پنجم، تهران.
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۳). جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- یان، ر (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.